



● عزت‌مرد

انقلاب که آغاز شد، سیل خروشان مردم، او را نیز که هنر خویش را در میادین ورزشی به کار می برد، به عرصه های خون و حماسه کشاند و با شجاعت و هوشیاری به ثبت لحظه های عزت و سرفرازی مردمی پرداخت که حیرت انگیزترین حماسه تاریخ معاصر را رقم زدند.

### گفت و شنود شاهد یاران با قاسم محمدی

## از نمابر تاریخی تاسوعا عکس گرفتیم...

نه، به تنها چیزی که فکر نمی کردم این چیزها بودند. آن روز مردم داشتند تظاهرات می کردند و من راحت نشسته بودم بالای مینی بوس و عکس می گرفتم. همیشه همین طور بود، هر ماشین مینی بوس و اتوبوسی که گیران می آمد سوار می شدیم که بتوانیم عکس بگیریم. خیلی حواسمان به چیزهای دیگر نبود. آیا در میان عکسهای شما عکسی هم شاخص شد؟ آن روزها نه، بولی زمان که گذشت و در سال شصت که آیت الله خامنه ای رئیس جمهور شدند، یک روز صبح سحر رفتیم از ایشان عکس گرفتیم که خیلی عکس جالبی شد. ایشان روی یک موکت ساده با نهایت سادگی نشسته بودند. عکس که چاپ شد از دفترشان زنگ زدند و تشویق کردند. عکس شاخص من همان بود. روزهای انقلاب رقابت فشرده بود و همه عکاسها عکس می گرفتند. مثلا یک ساختمان نیمه کاره ای بود کنار میدان آزادی. همه عکاسها از این ساختمان عکس گرفتند. شما هم گرفتید؟

هر کس رد می شد، می گرفت. کیفیت عکسها فرق می کرد، بولی موضوعات تقریبا شبیه بودند. گاهی هم درگیربهای شدیدی بود که من بودم و بقیه نبودند یا بالعکس.

کدام درگیربها؟  
مثلا میدان حسن آباد، من بودم، بولی اکثر عکاسها رفته بودند جاهای دیگر.

مدرسه علوی هم رفتید؟  
بله.  
عکس هم گرفتید؟  
خیر.  
چرا؟

مجوز می خواستند. من هر جا ببینم گرفت و گیری هست و مانعی، خیلی اصرار نمی کنم، و راحت می گذرم. آنجا می رفتیم، بولی فقط برای دیدن امام یا برای چرخیدن در آن حیاط. به خصوص موقع غروب، خیلی می رفتیم. بعضی از بچه های ورزشی آنجا بودند و مرا می شناختند و به واسطه وجود آنها می توانستم بروم، بولی عکس نگرفتم. منتهی بعدها که می رفتیم جماران، پنج شش باری از امام عکس گرفتیم، مخصوصا موقعی که همراه ورزشکارها می رفتیم.

آیا عکسهای شما در مجموعه ای هم چاپ شده؟  
بله، زیاد چاپ شده. خیلی از نمایشگاهها هست که عکسهایمان را می گذارند و خودمان را هم خبر نمی کنند. وضعیت چاپ توی کتابها که از این هم مفصل تر، مخصوصا در کتابهای ورزشی که الی ماشاءالله از این کارها کرده اند و می کنند.

کدام عکس شما شاخص شد؟  
ما همه عکسها را می بردیم واحد عکس و خودشان چاپ می کردند. شاید هزاران عکس گرفته باشم که در اکثر نشریات چاپ شده اند، بولی الان یادم نیست. شش هفت سال کارم همین بود و در مطبوعات کار می کردم. در هر حال من از هیچکدام از عکسهای که گرفته ام بدم نمی آید. در دوره انقلاب چند تایی چاپ شدند که راهبیمانی روز تاسوعا - عاشورا و اقامه نماز در میدان آزادی پس از آن را یادم هست.

چه چیزی را به یاد دارید؟  
خیلیها بودند که صف اول نماز بودند و من آن روز آنها را نمی شناختم، بولی بعدها فهمیدم که از رهبران انقلاب هستند. آن عکسی را که جمعیت دور میدان آزادی بودند، شما گرفتید؟ حالا که گفتید یادم آمد. بله من گرفتم. خدا بیامرز آیت الله طالقانی بامینی بوس آمدند. همین محمد رضا طالقانی که کشتی می گرفت

**در سال شصت که آیت الله خامنه ای رئیس جمهور شدند، یک روز صبح سحر رفتیم از ایشان عکس گرفتیم که خیلی عکس جالبی شد. ایشان روی یک موکت ساده با نهایت سادگی نشسته بودند. عکس که چاپ شد از دفترشان زنگ زدند و تشویق کردند.**

، بالای مینی بوس بود. چشمش که به من افتاد، صدایم زد. زوروش هم زیاد بود. دست مرا گرفت و کشید بالای مینی بوس. از سر جیحون تا میدان آزادی با خیال راحت نشستیم آن بالا و عکس گرفتیم. وقتی هم که نماز شروع شد، از همان بالا هفت هشت تا عکس خوب گرفتیم که چاپ هم شدند.  
آیا در خلال عکاسی از رویدادهای انقلاب دچار دردسر و مشکلی هم شدید؟

چه سالی به دنیا آمده اید. چه شد که به عکاسی علاقمند شدید؟  
متولد ۱۳۲۵ هستم. اوایل به نقاشی علاقه داشتم. خدمت سربازیم که تمام شد، در موسسه اطلاعات به عنوان عکاس شروع به کار کردم.

چه سالی؟  
مدتی به شکل غیر رسمی کار می کردم، بعد در سال پنجاه و یک رسمی شدم.

بیشتر در چه زمینه هائی عکاسی می کردید؟  
اطلاعات موقعی که استخدام شدم، در همه زمینه ها کار می کردم. اطلاعات سرویس عکس داشت و عکاسها در همه زمینه ها کار می کردند. از جمله در سرویسهای حوادث، ورزشی و امثالهم. همه باید چند سالی همه جا کار می کردند تا معلوم می شد که علاقه، استعداد و توانایی آنها در چه زمینه ای است و بعد همانجا مشغول کار می شدند. من به سرویس ورزشی رفتم و عکاس حرفه ای ورزش شدم و ادامه دادم تا الان.

پس شما زمینه اصلی فعالیتتان ورزش است؟  
اصلا مرا به عنوان عکاس ورزشی می شناسند. من در درجه اول عکاس ورزشی بودم و در خلال آن کارهای دیگری مثل عکاسی برای تبلیغات و معماری هم می کردم، به خصوص در زمینه معماری زیاد کار کردم.

پس در انقلاب سیاسی شدید؟  
سیاسی زیاد کار نکردم. ضرورت ایجاد می کرد، می رفتم. اولین عکاسی خاطره انگیزتان از رویدادهای انقلاب چه موقع بود؟  
سال پنجاه و هفت بود. فکر می کنم اولین بار جلوی دانشگاه بود. اولین جرقه های انقلاب که زده شدند، روز و ساعتش یادم نیست.

چه شرایطی و چه خاطره ای بود؟  
درگیری نیروهای نظامی بود و دانشجویها، همه التهاب داشتند. من چون دوربین همیشه همراهم بود یک چند تایی عکس گرفتم. یادم می آید گاهی مسابقات ورزشی با تظاهرات همزمان می شد و من کار اصلیم را راه می کردم و به سراغ این جریانات می رفتم. هر چه رویدادها پر رنگ تر می شدند، طبیعتا ما بیشتر جذب این بخش می شدیم. شغلیمان هم ایجاد می کرد که باشیم، وقتی هم که مطبوعات اعتصاب کردند و ورزش هم تقریبا تعطیل شد، ما همگی آمدیم این طرف و در کل ماجراها و راهبیمانیها و تظاهرات از زد و خوردها و درگیربها بودیم تا زمان انقلاب.

شاخص ترین رویداد انقلاب که از آن عکس و خاطره دارید، کدام است؟  
فکر می کنم ورود امام بود.



● ۱-۲۶ بهمن ۵۷، میدان توپخانه.

111





۱۲۱  
رنگی





۱۱۱



۱۳۱



۱۲۱

● ۱-۲-۳-۴-۱۳ آبان ۵۷، مقابل دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف.

۱۴۱



۱۱۱



۱۲۱



۱۳۱

● ۱-۲-۳-۴-۲۱.۴ بهمن ۵۷. جنگ مسلحانه مردم در خیابانها با بقایای گارد.



۱۳۱



۱۳۱



۱۳۲

- ۱- دی ماه ۵۷. یکی از تظاهرات.
- ۲- بهمن ۵۷. حضور تظاهر کنندگان در ساختمان نیمه کاره خیابان آزادی.
- ۳- ۱۲ بهمن ۵۷. حضور استقبال کنندگان امام در جاده بهشت زهرا.